



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

The Evaluation of Compliance with the Basise of Uncollectibility of the Goals of Punishment with Each Others in the Penal Code of Afghanistan-with an Emphasis on Administrative Corruption Crimes

Mohammad Iqbal Haqyar¹, Syed Baqer Mohammadi²

1. M.A. in Criminal Law Dep., Faculty of Law, Azad Islamic University, Kabul-Afghanistan (corresponding author)

E-mail: iqbal.haqyar@gmail.com

2. Assistant Prof., Dep. of Criminal Jurisprudence, Al-Mustafa University, Mashhad, Iran.

E-mail: sbmuhammadi@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received 3 February 2024

Received in revised form 6 March 2024

Accepted 18 March 2024

Available online 26 March 2024

Keywords:

basise of uncollectibility,
punishment goals,
pennology,
Afghanistan penal code,
administrative corruption

The most obvious types of complexity of sentencing is compliance with the process based on which the legislator can achieve the goals of punishment. The purposeful penalization model is trying to determine the territory of criminal intervention, provide the possibility of the existence of other tools and institutions of social control, and introduce its own foundations and principles. One of the basises of this model is the uncollectibility of the goals of punishment with each others. In practice, it is not possible to fully combine the goals of punishment in one or more types of punishments, which in the model of purposeful penalization, the same non-fulfillment of the goals of punishment is considered as the basis of the uncollectibility of the goals of punishment with each other. In this work, how to comply with the basis of uncollectibility of punishment objectives in the penal code of Afghanistan from the perspective of the mentioned model with emphasis on administrative corruption crimes is evaluated and it shows that the basis of uncollectibility of punishment is in 13 discourses which include 1 discourses of general orders and 12 discourses of crimes and punishments (administrative corruption) have not been observed. This work suggests that in amendment of the mentioned penal code, while observing the findings of this research, the uncollectibility of the goals of punishment should be observed in other parts of the penal code as well.

Cite this article: Haqyar, Mohammad Iqbal., Mohammadi, Syed Baqer. (2024). The evaluation of compliance with the basise of uncollectibility of the goals of punishment with each others in the penal code of Afghanistan-with an emphasis on administrative corruption crimes. *Comparative Studies on Islamic Countries Law*, 2 (1), 45- 62. <http://doi.org/10.22034/LCS.2024.2022819.1035>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22034/LCS.2024.2022819.1035>

Publisher: Ilam University.



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

ارزیابی رعایت مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در کیفرگذاری کودکان جزایی افغانستان با تأکید بر جرائم فساد اداری

محمد اقبال حقیار^۱ | سیدباقر محمدی^۲

۱. کارشناسی ارشد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، کابل، افغانستان. (نویسنده مسئول) رایانامه: iqbal.haqyar@gmail.com
۲. استادیار گروه فقه جزا، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران. رایانامه: sbmuhammadi@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

از بارزترین گونه‌های پیچیدگی کیفرگذاری، رعایت فرایندی است که بر مبنای آن قانون‌گذار بتواند به اهداف مجازات دست یابد. مدل کیفرگذاری هدفمند در تلاش است تا قلمرو مداخله کیفری را تعیین نموده، امکان حضور و زیست سایر ابزارها و نهادهای کنترل اجتماعی را مهیا سازد و مبنای و اصول مخصوص خود را معرفی کند. مبنای این مدل شامل مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر و مبنای ترجیح قطعیت بر شدت مجازات است. تجمیع توأمان اهداف مجازات به صورت کامل در یک یا چندگونه از مجازات‌ها امری است که در عمل امکان تحقق ندارد، یعنی نمی‌توان چهار هدف ارباب، سزادهی، اصلاح و ناتوان‌سازی را با یک یا حتی چند مجازات به صورت هم‌زمان تأمین کرد که در مدل کیفرگذاری هدفمند همین عدم تحقق هم‌زمان اهداف مجازات تحت عنوان مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر مطرح است. در این اثر چگونگی رعایت مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در کودکان جزایی افغانستان از منظر مدل مزبور با تأکید بر جرائم فساد اداری، مورد ارزیابی قرار گرفته و نشان می‌دهد که مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر ۱۳ عنوان که شامل یک عنوان احکام عمومی و دوازده عنوان جرائم و جزاها (فساد اداری) می‌گردد، رعایت نگردیده است. این اثر پیشنهاد دارد تا در تعدیل کود مزبور ضمن رعایت یافته‌های این تحقیق به رعایت اصول جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در سایر بخش‌های کود نیز دقت صورت گیرد.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۷

کلیدواژه‌ها:

جمع‌ناپذیری اهداف کیفر،

اهداف مجازات،

کیفرشناسی،

کود جزا افغانستان،

فساد اداری.

استناد: حقیار، محمد اقبال؛ محمدی، سیدباقر (۱۴۰۳). ارزیابی رعایت مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در کیفرگذاری کودکان جزایی افغانستان با تأکید بر جرائم فساد اداری. *مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی*، ۲ (۱)، ۴۵-۶۲.

<http://doi.org/10.22034/LCS.2024.2022819.1035>



© نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه ایلام.

مقدمه

هدف‌های مجازات پیچیده است و هر یک باید در مجازات‌های گوناگونی که در مورد فرد به اجرا در می‌آید، تحقق یابد. برحسب آنکه کدام یک از هدف‌های مذکور در ذهن قانون‌گذار و یا قاضی غلبه دارد، این صفات ضعف و قوت را به صورت گوناگون به خود می‌گیرد. کیفیت‌گذاری غیرمعیاری و عدم موجودیت مبنای مبتنی با یک مدل کیفیت‌گذاری هدفمند در خصوص روند کیفیت‌گذاری در کود جزای افغانستان مخصوصاً در مورد جرائم فساد اداری، از جمله پیامدهای چالش‌های موجود و عدم راه‌یابی به اهداف مجازات‌ها می‌تواند، تلقی گردد. به این ترتیب، صرف کیفیت‌گذاری و به کیفیت رساندن بزه‌کاران کافی نیست، بلکه چگونگی کیفیت از حیث نوع و میزان بیش از اصل کیفیت دارد، چراکه کم نیستند افرادی که به واسطه مجازات بزه‌کارتر شده‌اند. از این که تقریباً تمامی رفتارهایی را که کود جزا آن‌ها را جرم دانسته، مجازات آن‌ها را حبس با جزای نقدی و در مواردی حبس و یا جزای نقدی مقدر نموده، ظاهراً به این مفهوم است که قانون‌گذار در پی هدف مشخص نیست؛ زیرا هدف متوقع از مجازات حبس با هدف متوقع از جزای نقدی متفاوت بوده و به این مهم اشاره دارد که تعیین مجازات‌ها هدفمند نبوده است.

از آنجایی که ارزیابی کلی و همه‌جانبه کود جزا در این اثر ممکن نیست، نگارنده تلاش نموده، رعایت مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفی با یکدیگر را در کود جزا با تأکید بر جرائم فساد اداری، از منظر مدل کیفیت‌گذاری هدفمند مورد ارزیابی قرار دهد. به نظر می‌رسد قانون‌گذار کود جزا، این مبنا را در مواردی مدنظر نگرفته و در انتخاب مجازات‌ها از نظر نوع، یا هدف مشخصی را دنبال نکرده و یا هم با تمامیت‌خواهی تام، خواسته به اهداف متعدد متوسل گردد که در نتیجه ممکن است در بسیاری موارد از رسیدن به هدف اصلی نیز باز مانده است. مبحث اول این اثر به ارزیابی احکام عمومی در کود جزا پرداخته و نشان می‌دهد که قانون‌گذار بنا بر تجمیع اهداف کیفی با تدابیر تأمینی به این مبنا توجه نکرده و مبحث دوم در بردارنده ارزیابی زمینه جرائم و جزاها (فساد اداری) است که هر کدام به صورت دقیق در طی ۱۵ عنوان تبیین یافته است.

مفهوم‌شناسی

تجمیع توأمان اهداف مجازات به صورت کامل در یک یا چندگونه از مجازات‌ها امری است که در عمل امکان تحقق ندارد، یعنی نمی‌توان چهار هدف ارعاب، سزادهی، اصلاح و ناتوان‌سازی را با یک یا حتی چند مجازات به صورت هم‌زمان تأمین کرد. هر چند ممکن است هم‌زمان دو یا چند هدف با یکدیگر به طور نسبی محقق شوند، اما تجمیع اهداف چهارگانه مجازات به طور کامل ناممکن است. علت این وضعیت تناقض ذاتی اهداف مجازات با یکدیگر است. البته، بین اهداف مجازات از حیث قابلیت تجمیع، وضعیت یکسانی وجود ندارد و درجه بالایی از بعضی از آن‌ها در کنار هم قابل تحقق هستند، مانند تحقق هم‌زمان ارعاب و ناتوان‌سازی. اما حتی در این موارد هم هر دو هدف کاملاً محقق نشده‌اند، بلکه یکی دیگری را تا جایی همراهی کرده است. در این میان، عدم امکان جمع اصلاح بزه‌کار با هر یک از اهداف دیگر بارز است، به این معنا که برای دستیابی به هدف بازپروری به طور قطع باید از جنبه‌های دیگر صرف‌نظر کرد و نمی‌توان هم خواستار اصلاح مجرم بود و هم ارعاب یا سزادهی یا ناتوان‌سازی را در نظر داشت. به صورت کم‌رنگ‌تر بین سزادهی با دیگر اهداف مجازات تناقض وجود دارد، چنان‌که سزادهی رویکردی رو به گذشته، استحقاق‌محور و وظیفه‌گرا دارد، اما دیگر اهداف مجازات رویکردی رو به آینده، فایده‌محور و غایت‌گرا دارند.

با پذیرش پیش فرض جمع‌ناپذیری اهداف مجازات، باید به نقطه‌ای که بیشترین درجه از جمع اهداف قابل تحقق است، اندیشید و با تلفیق مجازات‌ها به این مهم دست یافت. اما در صورت عدم امکان دستیابی به چند هدف و تناقض یک هدف با اهداف دیگر، چاره‌ای جز انتخاب یک هدف از میان اهداف چهارگانه به‌عنوان اولویت اجرای کیفر نیست. به این ترتیب، قانون‌گذار باید پس از احراز ضرورت توسل به کیفر، مقدم بر هر امر دیگر هدف خود را از کیفر مشخص کند. در واقع، باید مشخص شود، کدام یک از اهداف چهارگانه ارباب، اصلاح، ناتوان‌سازی و سزادهی از مجازات مورد انتظار است. بنابراین، در صورت امکان کیفرگذاران باید تمام همت خود را برای دستیابی به حداکثر اهداف ممکن به کار گیرند و در مواردی که دستیابی به دو غایت ممکن نیست و تحقق یک هدف منجر به نقض هدف دیگر می‌شود، باید غایت اصلی از مجازات را مشخص کنند و با توجه به آن، به اعمال کیفر بپردازند. نباید در این موارد با تمامیت‌خواهی‌های کور، هدف مهم‌تر را قربانی کیفرهای کلیشه‌ای که ناقض آن هستند کرد. اهداف سزادهی و ارباب با هدف اصلاحی در تناقض است (صانعی، ۱۳۸۸: ۶۵۹). چون عطف توجه به این دو هدف در طول تاریخ حقوق جزا، باعث شده گرایش به شدت مجازات‌ها از نظر نوع و میزان به وجود آید، چنان‌که برقراری و اعمال مجازات‌های شدید و وحشتناکی مانند شقه کردن، زنده‌سوزاندن، ریختن سرب مذاب بر سر و روی مجرمان (ولیدی، ۱۳۸۲: ۴۰۴) انداختن مجرمان به پیش حیوانات درنده مثل مار و سگ، ریختن آب سرد به صورت مستمر بالای سر مجرمین و امثال این‌ها که همواره متداول بوده است و در عین وقت این رویکرد ناقض مبنای (ترجیح قطعیت بر شدت) نیز است.

نظر اصلاح و بازپروری در مقابل نظریه سزادهی قرار دارد، زیرا جنبه منفعت‌گرایی دارد و در پی آن است تا در رفتار محکومان تغییر وارد کرده و در راه اصلاح‌پذیری و بهتر شدن آن‌ها ممد واقع گردد (رسولی، ۱۳۹۶: ۴۹۸).

کیفرگذاری هدفمند به معنای سیاست‌گذاری در زمینه مجازات، اعم از نظر نوع و میزان، مبتنی بر یک منطق قابل پیش‌بینی و قاعده‌مند است و آموزه‌های علمی کیفرشناختی و جرم‌شناختی در آن نقشی پررنگ دارند. از سوی دیگر با توجه بر این‌که اهداف مجازات‌ها در راستای مبارزه مؤثر و مثمر با جرائم، فوق‌العاده ممد و در ارتباط بسیار نزدیک قرار دارد که موجودیت فساد اداری راه را برای ارتکاب سایر جرائم نیز هموار می‌سازد، در این اثر به ارزیابی عملی مبنای کیفرگذاری در کود جزا با تأکید بر جرائم فساد اداری، از منظر مدل کیفرگذاری هدفمند پرداخته شده است.

در مورد این‌که چرا جرائم فساد اداری را انتخاب نمودیم، با این‌که دلایل بی‌شمار در ذهن خواننده خطور می‌کند؛ ولی خیلی مهم است بدانیم که دو سوم افغان‌ها به این باور رسیده‌اند که فساد اداری طی دو سال گذشته به یکی از مشکلات شدید تبدیل شده است، چنان‌که آمار کسانی که فساد اداری را مشکل جدی می‌پنداشتند، از ۴۸ درصد در سال ۱۳۹۷ به ۶۰ درصد در سال ۱۳۹۹ افزایش یافته‌اند. به همین ترتیب، میزان شهروندانی که باور داشتند، در طول سال‌های گذشته اقدامات مؤثری برای کاهش فساد اداری در نهادهای عامه صورت گرفته است، پس از ۱۳۹۷ اُفت شدیدی داشته است. بر نسبت ۷۷ درصد شهروندانی که در سال ۱۳۹۷ اعتقاد داشتند، فساد اداری تا حدی یک مشکل جدی است، افزوده شده و به ۸۴ درصد در سال ۱۳۹۹ رسیده است. در عین حال، کسانی که فساد اداری را اصلاً جدی نمی‌دانستند، از ۱۱ درصد در سال ۱۳۹۷ به ۴ درصد کاهش یافته است (دویت و ادیب، ۱۴۰۰: ۲۰).

در ارتباط به این که جرائم فساد اداری چیست تا زمانی که تعریف دقیق از جانب قانون‌گذار نداشته باشیم، نمی‌توانیم یک جرم را جرم فساد اداری بدانیم. بر این اساس نیاز است به اسناد تقنینی مراجعه گردد. «ارتکاب جرائم مندرج فصول اول، دوم، سوم، چهارم، پنجم، هفتم، هشتم، نهم، دهم، یازدهم، و دوازدهم با چهارم، فصل اول با پنجم، فصل دوم با ششم، فصول دوم و ششم با نهم و فصل چهارم باب دهم کتاب دوم جزا، جرائم فساد اداری شناخته می‌شود» (قانون مبارزه با فساد اداری، ماده ۵).

احکام عمومی

این عنوان بیانگر ارزیابی رعایت مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در بخش احکام عمومی کودکان افغانستان است. دیده می‌شود که جمع اهداف کیفر با تدابیر تأمینی در کودکان جزا از سوی قانون‌گذار در ناسازگاری با این مبنا وضع شده است.

تجمیع اهداف کیفر با تدابیر تأمینی

با این که تفاوت‌های بارزی میان مجازات‌ها و تدابیر تأمینی وجود دارد که در واقع به دلیل ناکارآمدی سیاست جزایی سرکوب‌گرایانه محض برای پیش‌گیری و مبارزه با جرائم و همچنین اصلاح مجرمین و بازگشت مجدد آنان به جامعه و جلوگیری از تکرار جرم، به‌خصوص در مقابل رفتارهای خطرناک، جرم‌شناسان به فکر چاره‌ای در این خصوص شدند. نتیجه این تدبیر پیش‌بینی تدابیر تأمینی در کنار و البته به ادعای جرم‌شناسان جایگزین مجازات‌ها در نظام‌های جزایی شد.

با توجه به تفاوت‌های تدابیر تأمینی و مجازات‌ها مخصوصاً مورد اخیر آن، قاعده‌تاً اعمال مربوط به این دو باید متفاوت باشد که در کودکان جزا این مورد رعایت نشده و قانون‌گذار با تمامیت‌خواهی خواسته اهداف متفاوت را در موردی به‌وسیله مجازات و در موردی دیگری به‌وسیله تدابیر تأمینی حاصل نماید.

این مسئله با بیان مواد زیر و ارزیابی آن‌ها روشن خواهد شد:

«جزاهای بدیل حبس عبارت‌اند از: دوره مراقبت، انجام خدمات عامه، محرومیت از حقوق اجتماعی و حبس در منزل که در مطابقت با احکام این فصل، اعمال می‌گردد.» (کود جزا، ماده ۱۵۰) در این ماده به‌صراحت جزاهای بدیل حبس از لحاظ نوع به ۴ دسته تقسیم شده است که اول آن دوره مراقبت دانسته شده است. در قسمت این که چه اعمالی شامل دوره مراقبت است، کود جزا چنین تصریح می‌دارد: «دوره مراقبت مدتی است که طی آن محکمه شخص متهم را با رعایت شرایط مندرج این فصل، حداکثر پنج سال به اجرای یک یا چند مورد از موارد ذیل محکوم می‌نماید:

۱. اقامت در محل معین؛ ۲- منع اقامت یا تردد در محل یا محلات معین... ۸. منع اشتغال به کارهای معینی که زمینه ارتکاب جرم را فراهم نماید...» (کود جزا، ماده ۱۵۸) در اجزای ۱، ۲ و ۸ این ماده قانون‌گذاری اعمالی را به‌عنوان مجازات تصریح داشته که در مواد آتی عین اعمال را به‌عنوان تدابیر تأمینی معرفی می‌کند. «محکمه وقتی به منع محکوم‌علیه از گشت‌وگذار در محل معین حکم می‌نماید که بودن وی در آن محل به احتمال قوی سبب تکرار ارتکاب جرم گردد.» (کود جزا، ماده ۱۹۳) یعنی دقیقاً عین موردی که جزء (۲). ماده ۱۵۸ به‌عنوان مجازات بیان گردید و همچنین جز (۱) آن را در ماده بعدی چنین بیان نموده است. «محکمه می‌تواند محکوم‌علیه به جزای جنبه

یا جنایت را علاوه بر جزای اصلی، از بود و باش در محلات معین منع نماید. در این حالت محکمه وضع شخصی یا اجتماعی محکوم علیه را در نظر می‌گیرد.» (کود جزا، ماده ۱۹۴)

با مذاقه بر بندهای ۸ و ۲ و ۱ ماده ۱۵۸ و مواد ۹۳ و ۱۹۴، به نظر می‌رسد میان مجازات و تدابیر تأمینی تداخل جدی وجود دارد. به این مفهوم که قانون‌گذار بین جزای بدیل حبس (دوره مراقبت و محرومیت از حقوق اجتماعی) و تدابیر تأمینی فرق نگذاشته و تداخل آشکار را از لحاظ ماهیت و محتوی حکم بین تدابیر تأمینی و انواع جزای بدیل حبس به وجود آورده است؛ زیرا عین موارد (منع محکوم علیه از اقامت و گشت‌وگذار در محلات معین، منع اقامت یا تردد و بود و باش در محلات معین) را یک بار جزا شمرده و بار دیگر عین موارد را جزا نه بلکه تدابیر تأمینی دانسته است. بنائاً عین موارد به گونه جداگانه و به تکرار در دو بنای حقوقی جداگانه و مختلف پیش‌بینی گردیده است.

هر یک از احکام مورد بحث در فوق، اگرچه نقیض هم نیستند؛ اما پیش‌بینی آن‌ها با شیوه‌ای که توسط قانون‌گذار در دو بنای حقوقی (بدیل حبس و تدابیر تأمینی) گوناگون تصریح شده است، دو حکم به هم متعارض تلقی می‌شوند (فیضی و نوری، ۱۳۹۷: ۸۳). حتی اگر این مورد را فراتر بریم، جزء ۴ ماده ۱۶۷ را از لحاظ ماهیت با جزء ۸ ماده ۱۵۸ به مقایسه بگیریم، میان این دو نیز از لحاظ حکم تداخل روشن وجود دارد. «محکمه می‌تواند با رعایت شرایط مندرج در این فصل، محکوم علیه را که مستوجب جزای حبس قصیر باشد، برای مدت معین از یک یا بیش از یک حق اجتماعی من حیث جزای بدیل حبس قرار ذیل، محروم کند: ۴. منع از اشتغال به شغل یا کسب یا حرفه معین در صورتی که جرم مربوط به شغل وی باشد، تا یک سال...» (کود جزا، ماده ۱۶۷) در این حکم عین مورد را قانون‌گذار شامل موارد محرومیت از حقوق اجتماعی من حیث جزای بدیل حبس پیش‌بینی نموده است که یک بار مشمول موارد دوره مراقبت دانسته بود. یعنی عین مورد را تحت دو عنوان تصریح نموده است در حالی که از لحاظ ماهیت با هم هیچ‌گونه تفاوتی ندارند.

به نظر می‌رسد قانون‌گذار در این مورد مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر را نه تنها در وضع کیفرها به درستی رعایت نکرده که حتی میان جزا و تدابیر تأمینی نیز خلط کرده و خواسته اهداف متعدد را با وضع و اعمال مکلفیت واحد (یک بار به عنوان جزا و بار دیگر به عنوان تدابیر تأمینی) برآورده سازد که نتیجه آن در نهایت قربانی شدن هدف اصلی خواهد بود. این در حالی است که تدابیر تأمینی را جایگزین مجازات‌ها دانستیم، وقتی جایگزین عین مجازات باشد، مفهوم جایگزین نیز منتفی خواهد شد.

جرایم و جزاها (فساد اداری)

در این مبحث رعایت مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در جرائم و جزاها (فساد اداری) طی ۱۵ عنوان قرار ذیل مورد ارزیابی قرار گرفته است.

رشوه و مجازات آن

قانون‌گذار در طی مواد (۳۷۵، ۳۷۱، ۳۸۴، ۳۸۵ و ۳۸۷) کود جزا، در مورد ارتکاب جرم رشوه به ترتیب مجازات‌های «حبس، طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه، مصادره وجوهی که به‌عنوان رشوه پیشکش یا پرداخت شده، مجازات نقدی معادل وجه رشوه، نشر محکومیت، مصادره منفعت مادی و ابطال امتیاز معنوی ناشی از جرم رشوه» را در نظر گرفته است.

قانون‌گذار با وضع مجازات‌های چندگانه از نظر نوع، در پی اهداف متفاوت است، چنان‌که قبلاً یادآور شدیم، با مجازات حبس هدف ناتوان‌سازی محقق می‌گردد و با مجازات‌های نقدی هدف ارباب بیشتر متصور است. با این‌که تحقق هم‌زمان ارباب و ناتوان‌سازی تا حدی ممکن است؛ اما حتی در این مواردی هم هر دو هدف کاملاً محقق نشده‌اند، بلکه یکی دیگری را تا جایی همراهی کرده است، حتی بعید نیست که یکی دیگری را نفی کند و هدف اصلی به دلیل تمامیت‌خواهی قربانی از اهداف فرعی گردد.

مجازات تکمیلی «مصادره وجوه»، در واقع به دنبال همان هدف ارباب است که مجازات نقدی مندرج این فصل را تقویت می‌کند، ولی در مورد جمع هدف ارباب با هدف متوقع از مجازات حبس مندرج این فصل باید به این نکته توجه کرد که بین اهداف مجازات از حیث قابلیت تجمیع وضعیت یکسانی وجود ندارد و درجه بالایی از بعضی از آن‌ها در کنار هم قابل تحقق هستند، مانند تحقق هم‌زمان ارباب و ناتوان‌سازی. اما حتی در این موارد هم هر دو

۱- «(۱) رشوه‌گیرنده با نظر داشت وجه رشوه قرار ذیل مجازات می‌گردد: ۱- در صورتی که وجه رشوه تا ده هزار افغانی باشد، به حبس قصیر. ۲- در صورتی که وجه رشوه بیش از ده هزار تا بیست هزار افغانی باشد، به حبس متوسط تا دو سال. ۳- در صورتی که وجه رشوه بیش از بیست هزار تا پنجاه هزار افغانی باشد، به حبس متوسط از دو تا چهار سال. ۴- در صورتی که وجه رشوه بیش از پنجاه هزار تا یکصد هزار افغانی باشد، به حداکثر حبس متوسط. ۵- در صورتی که وجه رشوه بیش از یکصد هزار تا یک میلیون افغانی باشد به حبس طویل تا ده سال. ۶- در صورتی که وجه رشوه بیش از یک میلیون افغانی باشد، به حبس طویل بیش از ده سال. (۲) هرگاه وجه رشوه پول نقد، جنس یا منفعت مادی نباشد، مرتکب حسب احوال به حبس قصیر یا متوسط، محکوم می‌گردد.» (کود جزا، ۱۳۹۶، ۳۷۱)

«(۱) رشوه‌دهنده قرار ذیل مجازات می‌گردد: ۱- در صورتی که وجه رشوه تا ده هزار افغانی باشد، به جزای نقدی پنج برابر وجه رشوه. ۲- در صورتی که وجه رشوه بیش از ده هزار تا بیست هزار افغانی باشد، به جزای نقدی از پنج تا ده برابر وجه رشوه. ۳- در صورتی که وجه رشوه بیش از بیست هزار تا پنجاه هزار افغانی باشد، به حبس قصیر. ۴- در صورتی که وجه رشوه بیش از پنجاه هزار تا یکصد هزار افغانی باشد، به حبس متوسط یک تا سه سال. ۵- در صورتی که وجه رشوه بیش از یکصد هزار تا یک میلیون افغانی باشد، به حبس متوسط سه تا پنج سال. ۶- در صورتی که وجه رشوه بیش از یک میلیون افغانی باشد، به حبس طویل تا ده سال. (۲) هرگاه وجه رشوه پول نقد، جنس یا منفعت مادی نباشد، مرتکب حسب احوال به حبس قصیر یا متوسط، محکوم می‌گردد.» (کود جزا، ۱۳۹۶، ۳۷۲)

«(۱) رشوه‌گیرنده یا واسطه رشوه، رشوه‌دهنده یا واسطه رشوه، مأمور ضبط قضایی، خازنوال یا موظف خازنوالی، قاضی یا موظف محکمه، موظفین ادارات حقوق و قضایای دولت، منسوبین نظامی بست جنرالی و کارکنان غیرنظامی بست دوم و بالاتر از آن باشد، مرتکب علاوه بر حداکثر مجازات مندرج این فصل، به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه، نیز محکوم می‌گردد.

(۲) سایر موظفین خدمات عامه در صورتی که به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه، محکوم می‌گردند که اندازه رشوه بیش از ده هزار افغانی باشد. (۳) هرگاه مقامات ذیصلاح پیشنهادکننده، شخصی را که مطابق احکام مندرج فقره‌های (۱) و (۲) این ماده به طرد از مسلک محکوم گردیده، با وجود علم به محکومیت وی، تقرر او را به مقامات ذیصلاح منظور کننده پیشنهاد نماید، به حبس قصیر، محکوم می‌گردد.» (کود جزا، ۱۳۹۶، ۳۷۵)

«(۱) رشوه‌دهنده یا واسطه رشوه علاوه بر مجازات مندرج این فصل، به پرداخت جزای نقدی معادل وجه رشوه، نیز محکوم می‌گردد. (۲) در صورتی که موضوع رشوه، پول نقد، جنس یا منفعت مادی نباشد، مرتکب علاوه بر مجازات مندرج این فصل به جزای نقدی از سی هزار تا سه صد هزار افغانی، محکوم می‌گردد.» (کود جزا، ۱۳۹۶، ۳۸۵)

«(۱) رشوه‌دهنده، رشوه‌گیرنده یا واسطه رشوه علاوه بر مجازات مندرج این فصل، به پرداخت جزای نقدی معادل وجه رشوه، نیز محکوم می‌گردد. (۲) در صورتی که موضوع رشوه، پول نقد، جنس یا منفعت مادی نباشد، مرتکب علاوه بر مجازات مندرج این فصل به جزای نقدی از سی هزار تا سه صد هزار افغانی، محکوم می‌گردد.» (کود جزا، ۱۳۹۶، ۳۸۵)

«(۱) رشوه‌دهنده، رشوه‌گیرنده یا واسطه رشوه علاوه بر مجازات مندرج این فصل، به پرداخت جزای نقدی معادل وجه رشوه، نیز محکوم می‌گردد. (۲) در صورتی که موضوع رشوه، پول نقد، جنس یا منفعت مادی نباشد، مرتکب علاوه بر مجازات مندرج این فصل به جزای نقدی از سی هزار تا سه صد هزار افغانی، محکوم می‌گردد.» (کود جزا، ۱۳۹۶، ۳۸۵)

«(۱) رشوه‌دهنده، رشوه‌گیرنده یا واسطه رشوه علاوه بر مجازات مندرج این فصل، به پرداخت جزای نقدی معادل وجه رشوه، نیز محکوم می‌گردد. (۲) در صورتی که موضوع رشوه، پول نقد، جنس یا منفعت مادی نباشد، مرتکب علاوه بر مجازات مندرج این فصل به جزای نقدی از سی هزار تا سه صد هزار افغانی، محکوم می‌گردد.» (کود جزا، ۱۳۹۶، ۳۸۵)

«(۱) حکم قطعی محکمه مبنی بر محکومیت شخص به جزای رشوه از طریق رسانه نشر می‌شود. (۲) هرگاه از اثر ارتکاب جرائم مندرج این فصل منفعت مستقیم یا غیرمستقیم مادی یا معنوی حاصل گردیده باشد، منفعت مادی مصادره و منفعت معنوی باطل می‌گردد.» (کود جزا، ۱۳۹۶، ۳۸۷)

هدف کاملاً محقق نشده‌اند، بلکه یکی دیگری را تا جایی همراهی کرده است (حاجی ده‌آبادی و سلیمی، ۱۳۹۸: ۱۰۶) که چنین استدلال در مورد وضع هم‌زمان مجازات حبس با مصادره وجوه قابل توجیه پنداشته می‌شود. ولی با به‌کارگیری هم‌زمان مجازات حبس و نقدی در تمامی احکام این فصل، به نظر می‌رسد توجهی بر مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در جرم رشوه صورت نگرفته و رعایت نگردیده است.

اختلاس و مجازات آن

در طی مواد (۳۹۱، ۳۹۲ و ۳۹۸)^۱ کود جزا، در مورد ارتکاب جرم اختلاس به ترتیب مجازات‌های «حبس، رد وجوه و دارایی حاصله و مصادره عواید ناشی از آن و انفصال از وظیفه یا طرد از مسلک» در نظر گرفته شده است.

قانون‌گذار با وضع مجازات اصلی (حبس) از چندگانگی مجازات از نظر نوع، پرهیز کرده و در پی هدف ناتوان‌سازی بوده که اگر وجه اختلاس بیش از یک‌صد هزار باشد، با وضع مجازات تکمیلی «انفصال از وظیفه یا طرد از مسلک» مطابق ماده (۳۹۸)، در واقع باز هم دنبال همان هدف ناتوان‌سازی بوده و هدف موردنظر را با شدت بیشتر تعقیب نموده است. به این معنی که از یک‌سو مرتکب وقتی از وظیفه منفصل یا از مسلک مطرود می‌گردد. در واقع، به نحوی ناتوان می‌شود که از ارتکاب دوباره همان جرم و از سوی دیگر چون محکوم به حبس می‌شود، قانون‌گذار هدف موردنظر را بیشتر تقویت نموده است.

مجازات تکمیلی «مصادره عواید»، در واقع باز هم به دنبال همان هدف ارباب است که مجازات نقدی مندرج این فصل را تقویت می‌کند که تفصیل آن در ذیل عنوان رشوه و مجازات آن بیان گردید و بر اساس آن وضع هم‌زمان مجازات حبس با مصادره عواید قابل توجیه پنداشته می‌شود.

ولی با آن هم در مورد استفاده غیرقانونی از وجوه نقدی، این مبنا به صورت دقیق لحاظ نشده است «هرگاه موظف خدمات عامه از وجوه نقدی که در اختیار وی قرار دارد، غیرقانونی طوری استفاده نماید که در این فصل پیش‌بینی نگردیده است، به حبس قصیر یا جزای نقدی از ۳۰ هزار تا ۶۰ هزار افغانی، محکوم می‌گردد.» (کود جزا، ماده ۳۹۷)، در این ماده دیده می‌شود که قانون‌گذار بدون در نظر داشتن مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر، خواسته به نحوی میان اهداف ناشی از مجازات حبس و جزای نقدی جمع نماید که تفصیل آن در بحث رشوه بیان گردید.

۱- موظف خدمات عامه در صورت ارتکاب اختلاس، قرار ذیل مجازات می‌گردد: ۱- در صورتی که وجه اختلاس شده تا یک‌صد هزار افغانی باشد، به حبس متوسط تا دو سال. ۲- در صورتی که وجه اختلاس شده بیش از یک‌صد هزار تا پانصد هزار افغانی باشد، به حبس متوسط بیش از دو سال. ۳- در صورتی که وجه اختلاس شده بیش از پنج صد هزار تا یک‌میلیون افغانی باشد، به حبس طویل تا ده سال. ۴- در صورتی که وجه اختلاس شده بیش از یک‌میلیون تا ده میلیون افغانی باشد، به حداکثر حبس طویل. ۵- در صورتی که وجه اختلاس شده بیش از ده میلیون افغانی باشد، به حبس دوام درجه ۲. (کود جزا، ۱۳۹۶، ماده ۳۹۱)

موظف مؤسسه غیردولتی، موسسه خصوصی یا جمعیت در صورت ارتکاب اختلاس، حسب احوال قرار ذیل مجازات می‌گردد: ۱- در صورتی که وجه اختلاس شده تا یک‌صد هزار افغانی باشد، به حبس متوسط تا دو سال. ۲- در صورتی که وجه اختلاس شده بیش از یک‌صد هزار تا پنج صد هزار افغانی باشد، به حبس متوسط بیش از دو سال. ۳- در صورتی که وجه اختلاس شده بیش از پنج صد هزار تا یک‌میلیون افغانی باشد، به حداکثر حبس متوسط.

۴- در صورتی که وجه اختلاس شده بیش از یک‌میلیون تا ده میلیون افغانی باشد، به حبس طویل تا هفت سال. ۵- در صورتی که وجه اختلاس شده بیش از ده میلیون افغانی باشد، به حبس طویل تا ده سال. (کود جزا، ۱۳۹۶، ماده ۳۹۲)

(۱) مرتکب جرائم مندرج این فصل علاوه بر مجازات معینه، به رد وجوه و دارایی حاصله و مصادره عواید ناشی از آن، نیز محکوم می‌گردد.

(۲) هرگاه وجه اختلاس شده بیش از یک‌صد هزار افغانی باشد، مرتکب به انفصال از وظیفه و طرد از مسلک، نیز محکوم می‌گردد.

(۳) هرگاه مقامات ذیصلاح پیشنهادکننده، شخصی را که مطابق احکام مندرج فقره (۲) این ماده به انفصال از وظیفه و طرد از مسلک محکوم گردیده، با وجود علم به محکومیت وی، تقرر او را به مقامات ذیصلاح منظور کننده پیشنهاد نماید، به حبس قصیر، محکوم می‌گردد. (کود جزا، ۱۳۹۶، ماده ۳۹۸)

سوءاستفاده از نفوذ و مجازات آن

قانون‌گذار در طی مواد (۴۰۰-۴۰۲) ^۱ کود جزا، در مورد ارتکاب جرم سوءاستفاده از نفوذ به ترتیب مجازات‌های «نقدی، بدیل حبس، حبس، انفصال از وظیفه یا طرد از مسلک، مصادره وجوه و مصادره منفعت مادی و ابطال منفعت معنوی ناشی از آن» را در نظر گرفته شده است.

به نظر می‌رسد قانون‌گذار با وضع مجازات‌های (نقدی، بدیل حبس و حبس) میان حالات ارتکاب جرم تفکیک گذاشته و از چندگانگی مجازات از نظر نوع، برای حالت مشخص و واحد جرم پرهیز کرده که نشان می‌دهد، در پی اهداف متفاوت نسبت به حالات متفاوت جرم ارتكابی بوده است. معیار به کاررفته در تعیین مجازات مرتکب سوءاستفاده از نفوذ یا تحریک‌کننده به آن، اول شامل میزان منفعت تحصیل یا درخواست شده و دوم شامل این که مرتکب موظف خدمات عامه است یا غیر آن است. در صورت تحقق شرط دوم علاوه بر مجازات‌های مقرر، مرتکب به انفصال از وظیفه و طرد از مسلک نیز محکوم می‌گردد. آنچه در ارتباط با این مجازات‌ها نیاز به غور بیشتر دارد، تعیین مجازات بدیل حبس طبق (ماده ۴۰۰) برای مرتکب جرم سوءاستفاده از نفوذ در موردی که ارزش منفعت تا بیست هزار افغانی باشد و طبق (ماده ۴۰۱) در موردی که ارزش منفعت بیش از ۲۰ هزار تا ۵۰ هزار افغانی باشد، است. با آن که بدیل‌های حبس یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های کیفرشناسی و آثار مثبتی در عرصه جزایی افغانستان به شمار می‌رود؛ اما به نظر می‌رسد که در موارد خاص مانند مواد شامل بحث در فصل سوم، باب چهارم (سوءاستفاده از نفوذ یا تحریک به آن) رعایت مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر را تا حدودی دچار تعارض ساخته و مشکلات دیگری نیز به وجود آورده که بحث آن در اثر جداگانه واضح خواهد شد.

کود جزا بدیل‌های حبس را به قرار ذیل بر می‌شمرد: «جزاهای بدیل حبس عبارت‌اند از: دوره مراقبت، انجام خدمات عامه، محرومیت از حقوق اجتماعی و حبس در منزل که در مطابقت با احکام این فصل، اعمال می‌گردد.» (کود جزا، ماده ۱۵۰)، در مورد این که جزاهای بدیل حبس در کدام حالات تعیین می‌گردد، چنین حکم وجود دارد «جزاهای بدیل حبس با در نظر داشتن نوعیت و خصوصیت جرم مرتکبه، شخصیت مرتکب، دفعات ارتکاب جرم، وضعیت مجنی‌علیه، نتایج ناشی از ارتکاب جرم و سایر جهات مخففه جرم تعیین می‌شود.» (کود جزا، ماده ۱۴۹) و در قسمت ساحه تطبیق جزاهای بدیل حبس چنین حکم داریم «(۱) محکمه می‌تواند مرتکب جرمی را که حداکثر

۱- «(۱) شخص مندرج ماده ۳۹۹ این قانون قرار ذیل مجازات می‌گردد: ۱- در صورتی که ارزش منفعت تا بیست هزار افغانی باشد، به بدیل حبس. ۲- در صورتی که ارزش منفعت بیش از بیست هزار تا پنجاه هزار افغانی باشد، به حبس قصیر. ۳- در صورتی که ارزش منفعت بیش از پنجاه هزار تا یکصد هزار افغانی باشد، به حبس متوسط تا سه سال. ۴- در صورتی که ارزش منفعت بیش از یکصد هزار تا یک میلیون افغانی باشد به حبس متوسط بیش از سه سال. ۵- در صورتی که ارزش منفعت بیش از یک میلیون افغانی باشد، به حداکثر حبس متوسط. ۶- هرگاه منفعت، مادی نباشد، مرتکب حسب احوال به حبس قصیر یا متوسط، محکوم می‌گردد. (۲) هرگاه مرتکب جرم مندرج فقره (۱) این ماده، موظف خدمات عامه باشد، به انفصال از وظیفه و طرد از مسلک نیز محکوم می‌گردد.» (کود جزا، ۱۳۹۶، ماده ۴۰۰) «(۱) تحریک‌کننده به سوءاستفاده از نفوذ قرار ذیل مجازات می‌گردد: ۱- در صورتی که ارزش منفعت تا بیست هزار افغانی باشد، به جزای نقدی دو چند وجه منفعت نامشروع. ۲- در صورتی که ارزش منفعت بیش از بیست هزار تا پنجاه هزار افغانی باشد، به بدیل حبس. ۳- در صورتی که ارزش منفعت بیش از پنجاه هزار تا یکصد هزار افغانی باشد، به حبس قصیر. ۴- در صورتی که ارزش منفعت بیش از یکصد هزار تا یک میلیون افغانی باشد، به حبس متوسط تا دو سال. ۵- در صورتی که ارزش منفعت بیش از یک میلیون افغانی باشد، به حبس متوسط تا سه سال. ۶- هرگاه منفعت، مادی نباشد، مرتکب به حبس قصیر، محکوم می‌گردد. (۲) هرگاه مرتکب جرم مندرج فقره (۱) این ماده، موظف خدمات عامه باشد، به انفصال از وظیفه و طرد از مسلک نیز محکوم می‌گردد. (۳) تحریک‌کننده به مفهوم فقره (۱) این ماده، عبارت از وعده دهنده، پیشنهادکننده، یا اعطاکنده مستقیم یا غیرمستقیم منفعت نامشروع به شخص دارای نفوذ حقیقی یا فرضی به منظور سوءاستفاده از نفوذ وی، است.» (کود جزا، ۱۳۹۶، ماده ۴۰۱)

«(۱) وجوهی که تحریک‌کننده جهت استفاده از نفوذ آن را پیشکش یا پرداخت نموده، مصادره می‌گردد، مگر اینکه قبلاً به مقامات مسئول اطلاع داده باشد. (۲) هرگاه از اثر ارتکاب جرائم مندرج این فصل، منفعت مستقیم یا غیرمستقیم مادی یا معنوی حاصل گردیده باشد، منفعت مادی، مصادره و منفعت معنوی، باطل می‌گردد.» (کود جزا، ۱۳۹۶، ماده ۴۰۲)

جزای معین قانونی آن‌ها الی پنج سال حبس باشد، مطابق احکام این قانون به جزای بدیل حبس محکوم نماید. (۲) محکمه مکلف است دلایل استفاده یا عدم استفاده از جزای بدیل حبس را مطابق حکم مندرج فقره (۱) این ماده در حکم خود ذکر نماید. (۳) مرتکبین جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، تروریستی، تمویل تروریسم، تجاوز جنسی، فساد اداری و مالی و جرائم نسل‌کشی، ضدبشری، جنگی، تجاوز علیه دولت از حکم مندرج فقره (۱) این ماده مستثنا است.» (کود جزا، ماده ۱۵۱) در این ماده دیده می‌شود ضمن این‌که محکمه مکلف است، شرایط حکم یا عدم حکم به بدیل حبس را در نظر بگیرد، مکلف است که آن را در حکم خود نیز تصریح نماید و طیف خاص مجرمین را از اینکه محکوم به ذیل حبس شوند، استثنا می‌سازد. بنابراین بدیل حبس در مواردی است که قانون، جزای اولیه حبس بین سه ماه تا پنج سال، برای یک جرم پیش‌بینی نموده و محکمه بر اساس معیارهای ذکر شده در ماده (۱۴۹) کود جزا، به‌جای حبس، مرتکب را به بدیل حبس محکوم می‌نماید.

قاعدتاً مجازات بدیل حبس برای یک جرم نمی‌تواند مقرر شود (رسولی و دیگران، ۱۳۹۸، ج ۲: ۵۷۹). بلکه بدیل‌های حبس یک انتخاب قاضی به اساس حکم قانون است که برای کاهش موارد اجباری حبس در قانون پیش‌بینی شده است؛ البته در موارد خاص قانون‌گذار می‌تواند، مجازات بدیل حبس را به‌صورت اجباری و بدون این‌که مجازات اولیه را حبس پیش‌بینی نموده باشد، مقرر نماید؛ اما بدیل حبس الزامی و اجباری، با رضایت مرتکب به بعضی از بدیل‌های حبس هم‌خوان نیست. بنابراین در صورتی‌که بدیل حبس به‌صورت الزامی پیش‌بینی شده بود، باید نوع و میزان بدیل حبس نیز معین می‌گردید.

علاوه‌بر این، بارزترین مشکلی که عدم رعایت مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در این زمینه به وجود آورده است، تعارض تعیین جزای بدیل حبس مندرج مواد (۴۰۰ و ۴۰۱) با فقره (۳) ماده (۱۵۱) کود جزا است. زیرا، در فقره مزبور قانون‌گذار جرائم فساد اداری را از جمله جرائمی دانسته که تعیین جزای بدیل حبس در آن ممنوع بوده و جواز داده نشده است.

به این مهم نیز باید توجه داشت که عدم امکان جمع اصلاح بزهکار با هر یک از اهداف دیگر بارزتر است، به این معنا که برای دستیابی به هدف بازپروری به‌طور قطع باید از جنبه‌های دیگر صرف‌نظر کرد و نمی‌توان هم خواستار اصلاح مجرم بود و هم ارباب یا سزادهی یا ناتوان‌سازی را در نظر داشت (حاجی‌ده‌آبادی و سلیمی، ۱۳۹۸: ۱۰۶). بنابراین که هدف مترتب بر بدیل حبس اصلاح و درمان است که به‌صورت قطعی با هیچ‌یک از اهداف سه‌گانه غیر از آن قابل جمع نیست، نیز به نتیجه فوق می‌توان دست یافت که پذیرش مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در این مورد عملی نبوده است.

مجازات تکمیلی «مصادره وجوه و مصادره منفعت مادی»، در واقع به دنبال همان هدف ارباب است که مجازات نقدی مندرج این فصل را تقویت می‌کند که تفصیل آن در ذیل عنوان رشوه و مجازات آن بیان گردید و بر اساس آن وضع هم‌زمان مجازات حبس با مصادره عواید قابل توجیه پنداشته می‌شود.

سوءاستفاده از وظیفه یا موقف و مجازات آن

حسب احکام (فقره ۱ ماده ۴۰۳، ماده ۴۰۴، فقره ۱ ماده ۴۰۷، فقره ۲ ماده ۴۰۸، ماده ۴۰۹) قانون گذار با وضع مجازات‌های (حبس یا جزای نقدی)، مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر را نادیده گرفته است.

قانون گذار با وضع مجازات‌های چندگانه از نظر نوع، در پی اهداف متفاوت است. چنان که در قبل یادآور شدیم، با مجازات حبس هدف ناتوان‌سازی محقق می‌گردد و با مجازات‌های نقدی هدف ارعاب بیشتر متصور است. با این که تحقق هم‌زمان ارعاب و ناتوان‌سازی تا حدی ممکن است؛ اما حتی در این موارد هم هر دو هدف کاملاً محقق نشده‌اند، بلکه یکی دیگری را تا جایی همراهی کرده است، حتی بعید نیست که یکی دیگری را نفی کند و هدف اصلی به دلیل تمامیت‌خواهی، قربانی اهداف فرعی گردد. بر این اساس، به نظر می‌رسد توجهی بر مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در احکام مزبور، مربوط به جرم سوءاستفاده از وظیفه یا موقف و مجازات آن صورت نگرفته و رعایت نگردیده است.

در بقیه مواد این فصل دیده می‌شود، قانون گذار با وضع مجازات اصلی حبس یا جزای نقدی به گونه مستقل در پی تحقق هدف واحد بوده، ولی با آن هم مواد ذیل قابل تبصره و ارائه وضاحت است.

انفصال از وظیفه و طرد از مسلک با مجازات حبس کاملاً قابل جمع است و هر دو برای تحقق هدف ناتوان‌سازی سازگاری دارد و همدیگر خود را تقویت می‌کنند. چنان که بر این اساس قانون گذار در مورد امتناع یا تعلل قاضی از اصدار حکم چنین حکمی را وضع نموده است. «هرگاه قاضی بدون مجوز قانونی از اصدار حکم امتناع یا تعلل ورزد و یا ثابت گردد که بنا به یکی از اسباب مندرج ماده ۴۰۴ این قانون عمداً فیصله ناحب صادر نموده است، به حبس متوسط و طرد از مسلک، محکوم می‌گردد.» (کود جزا، ماده ۴۰۵) و یا هم مثال دیگر آن را در حکم ماده (۴۱۰) تذکر رفته است.

اما در مورد تجمیع انفصال از وظیفه و طرد از مسلک با جزای نقدی همان ایرادی پیش می‌آید که بر جمع میان مجازات حبس و جزای نقدی وجود دارد. ولی با آن هم قانون گذار در مورد مرتکب سوءاستفاده، چنین حکم نموده است: «۱. هرگاه موظف خدمات عامه به‌منظور کسب منفعت نامشروع برای خود یا شخص دیگری برخلاف قانون،

۱- (۱) هرگاه موظف خدمات عامه به‌منظور کسب منفعت نامشروع برای خود یا شخص دیگری برخلاف قانون، عملی را اجرا یا از آن امتناع نماید، مرتکب جرم سوءاستفاده از وظیفه گردیده به حبس متوسط یا جزای نقدی از شصت هزار تا سه صد هزار افغانی، محکوم می‌گردد. (۲) مرتکب جرم مندرج فقره (۱) این ماده، به انفصال از وظیفه و طرد از مسلک نیز محکوم می‌گردد.» (کود جزا، ۱۳۹۶: ماده ۴۰۳)

«هرگاه موظف خدمات عامه به‌منظور رسانیدن نفع یا ضرر به یکی از طرفین دعوی نزد قاضی به صیغه امر یا التماس یا خواهش و یا سفارش واسطه شود، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد.» (کود جزا، ۱۳۹۶: ماده ۴۰۴)

«(۱) هرگاه موظف خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظیفه خود عمداً احکام قوانین یا مقررات، حکم یا قرار و امر محکمه یا اوامر صادره مراجع باصلاحیت حکومت را رعایت ننموده یا تحصیل اموال و مالیاتی را که به‌حکم قانون تعیین گردیده، بدون مجوز قانونی متوقف سازد، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد.» (کود جزا، ۱۳۹۶: ماده ۴۰۷)

«(۲) هرگاه در نتیجه ارتکاب جرم مندرج فقره (۱) این ماده حیات، صحت و امنیت عامه به خطر مواجه گردد یا اضطراب و فتنه در بین مردم ایجاد شود، هر یک از مرتکبین حسب احوال به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی یا جزای جرم ارتكابی یا هر کدام که بیشتر باشد، محکوم می‌گردند.» (کود جزا، ۱۳۹۶، ماده ۴۰۸)

«(۱) هرگاه موظف خدمات عامه یا موظف دولت خارجی یا سازمان بین‌المللی یا بین‌الحکومتی یا مؤسسه غیردولتی به اساس ملاحظات شخصی، قومی، منطقه‌ای، زبانی، مذهبی، جنسیتی، سیاسی، عقیدتی یا به اساس پشتیبانی از گروه یا فرقه خاص، در اجرای وظایف یا ارائه خدمات یا سایر حالات از تبعیض کار گیرد، مرتکب به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم می‌گردد.

(۲) هرگاه عمل مندرج فقره (۱) این ماده توسط مقامات عالی‌رتبه دولتی یا مقامات عالی‌رتبه سایر مراجع ارتکاب یابد، مرتکب به حداکثر حبس متوسط یا به جزای نقدی سه صد هزار افغانی، محکوم می‌گردد.» (کود جزا، ۱۳۹۶، ماده ۴۰۹)

عملی را اجرا یا از آن امتناع نماید، مرتکب جرم سوءاستفاده از وظیفه گردیده به حبس متوسط یا جزای نقدی از ۶۰ هزار تا ۳۰۰ هزار افغانی، محکوم می‌گردد؛ ۲. مرتکب جرم مندرج فقره (۱) این ماده، به انفصال از وظیفه و طرد از مسلک نیز محکوم می‌گردد.» (کود جزا، ماده ۴۰۳) در این حکم با فرض اول مرتکب به حبس و انفصال از وظیفه یا طرد از مسلک محکوم گردد، در چنین حالت مبنای جمع‌ناپذیری رعایت شده است؛ ولی با فرض دوم مرتکب به جزای نقدی و انفصال از وظیفه یا طرد از مسلک محکوم گردد، چنین محکومیت و چنین وضع حکم با مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر سازگاری ندارد. مورد دیگر این‌چنینی در این فصل حکم وضع مجازات کتمان عضویت در حزب سیاسی «هرگاه عضو ستره محکمه، قاضی، سارنوال، منسوب وزارت دفاع ملی، وزارت امور داخله، ریاست عمومی امنیت ملی، منسوب نظامی ادارات دارای تشکیلات نظامی یا سایر موظفین خدمات عامه که به حکم قانون از داشتن عضویت در مدت تصدی وظیفه در حزب سیاسی ممنوع قرار داده شده‌اند، در صورت دارا بودن عضویت حزب سیاسی یا فعالیت به نفع آن و کتمان این موضوع به جزای نقدی ۱۰۰ هزار تا ۵۰۰ هزار افغانی و عزل از وظیفه، محکوم می‌گردد.» (کود جزا، ۴۱۵) است.

افزایش غیرقانونی دارایی و مجازات آن

در طی مواد (۴۲۰ و ۴۲۱)^۱ کود جزا، در مورد ارتکاب جرم افزایش غیرقانونی دارایی به ترتیب مجازات‌های «حبس، نقدی و مصادره وجوه و دارایی‌های که از اثر ارتکاب این جرم حاصل شده باشد» در نظر گرفته شده است. قانون‌گذار با وضع مجازات اصلی (حبس) برای مرتکب جرم افزایش غیرقانونی دارایی، از چندگانگی مجازات از نظر نوع، پرهیز کرده و در پی هدف ناتوان‌سازی بوده که اگر دارایی افزایش یافته تا ۱۰ میلیون افغانی باشد، حبس قصیر، اگر بیش از ۱۰ میلیون تا ۱۰۰ میلیون افغانی باشد، حبس متوسط و در صورتی که دارایی افزایش یافته بیش از ۱۰۰ میلیون افغانی باشد، برای مرتکب آن حبس طویل مقرر نموده است که هدف ناتوان‌سازی را پیگیر بوده است و نیز با وضع حکم (مجازات نقدی) هدف ارباب را در مورد اشخاصی که معلومات نادرست و گمراه‌کننده را درج فرم ثبت دارایی می‌کنند، تعقیب نموده است. مجازات تکمیلی «مصادره وجوه»، در واقع باز هم دنبال همان هدف ارباب است که مجازات نقدی مندرج این فصل را تقویت می‌کند که تفصیل آن در ذیل عنوان رشوه و مجازات آن بیان گردید و بر اساس آن وضع هم‌زمان مجازات حبس با مصادره عواید قابل توجیه پنداشته می‌شود.

۱- مرتکب جرم افزایش غیرقانونی دارایی مندرج فقره (۲) ماده ۴۱۹ این قانون قرار ذیل مجازات می‌گردد:

۱. در صورت افزایش دارایی تا ده میلیون افغانی، به حبس قصیر.

۲. در صورت افزایش دارایی بیش از ده میلیون تا صد میلیون افغانی، به حبس متوسط.

۳. در صورت افزایش دارایی بیش از صد میلیون افغانی، به حبس طویل. (کود جزا، ماده ۴۲۰)

(۱) هرگاه موظف خدمات عامه معلومات نادرست یا گمراه‌کننده را در فورمه اشاعه دارایی درج نماید، حسب احوال به جزای نقدی از سی هزار تا یکصد و هشتاد هزار افغانی، محکوم می‌گردد.

(۲) وجوه و دارایی‌های که در اثر ارتکاب جرائم مندرج این فصل حاصل گردیده است، به حکم محکمه مصادره می‌گردد. (کود جزا، ماده ۴۲۰)

تزویر

«جعل و تزویر عبارت است از: قلب متقلبانه حقیقت به زیان دیگری به یکی از طرق مذکور در قانون در یک سند یا نوشته یا چیز دیگر» (گلدوزیان، ۱۳۸۰: ۵۲۴). طی مواد (۴۳۶ الی ۴۴۳) مجازات جرم تزویر (حبس) مقرر گردیده که با مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر سازگاری دارد. ولی صرفاً از آن میان در طی ماده (۳۳۲)^۱ و فقره (۱) ماده (۴۴۳)^۲ در بین مجازات حبس و نقدی جمع نموده است. بر این اساس، به نظر می‌رسد توجهی بر مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در دو حکم مزبور، صورت نگرفته و رعایت نگردیده است.

اخاذی و رویه سوء موظفین خدمات عامه در برابر افراد

طی مواد (۴۴۵ الی ۴۴۹) مجازات جرم اخاذی و رویه سوء موظفین خدمات عامه مقرر گردیده است. در ماده (۴۴۵)^۳ مجازات حبس وضع شده که در پی ناتوان‌سازی بوده است. در ماده (۴۴۶)^۴ علاوه بر جزای حبس متوسط به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه نیز حکم شده که همان هدف ناتوان‌سازی با طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه بیشتر تقویت خواهد شد و در سازگاری با مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر وضع شده است. ولی، به‌رغم این احکام، طی مواد (۴۴۷ الی ۴۴۹) میان مجازات حبس و نقدی جمع صورت گرفته است. بر این اساس، به نظر می‌رسد توجهی بر مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در حکم این سه ماده صورت نگرفته و رعایت نگردیده است.

انتحال و ظایف و القاب

طی مواد (۴۵۳ الی ۴۵۵) مجازات جرم انتحال و ظایف و القاب مقرر گردیده است. در مواد (۴۵۳ و ۴۵۴)^۵ حبس یا جزای نقدی مقرر شده است؛ چنان‌که در قبل یادآور شدیم، با مجازات حبس هدف ناتوان‌سازی محقق می‌گردد و با مجازات‌های نقدی هدف ارباب بیشتر متصور است. در ماده (۴۵۵) مجازات نقدی در نظر گرفته شده که در پی هدف مشخص ارباب بوده و در آن گونه‌ای از تمامیت‌خواهی مشاهده نمی‌گردد. به نظر می‌رسد این حکم در سازگاری با مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر وضع شده است. ولی در مورد دو حکم قبلی، به نظر می‌رسد توجهی بر مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر صورت نگرفته و رعایت نگردیده است.

۱- «شخصی که خود وی یا توسط شخص دیگری تصدیقی را در مورد اثبات معلولیت برای خود یا برای شخص دیگر به منظور تقدیم آن به مراجع ذیصلاح دولتی به قصد بهره‌برداری غیر مشروع برای خود یا دیگری بنام طبیب یا جراح تزویر نماید، حسب احوال، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد.» (کود جزء، ماده ۴۴۲)

۲- «(۱) شخصی که اسناد مزور مندرج مواد ۴۳۶ و ۴۳۷ این قانون را با وجود علم به تزویری بودن آن استعمال نماید، طوری که آن را به محکمه یا یکی از مراجع ذیصلاح دولتی تقدیم نماید، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد...» (کود جزء، ماده ۴۴۳)

۳- «(۱) هرگاه منسوب نیروهای نظامی یا سایر موظفین خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظیفه در راه عام، شاهراه‌ها و سایر محلات از مردم پول، مال یا منفعتی را خلاف قانون تقاضا یا اخذ نمایند، به حبس قصیر محکوم می‌گردد.

(۲) هرگاه جرم مندرج فقره (۱) این ماده توسط سایر اشخاص در سرای‌ها، مارکیت‌ها، مندوی‌ها یا سایر محلات شهری ارتکاب یابد، مرتکب به جزای نقدی از پنج هزار تا ده هزار افغانی، محکوم می‌گردد.» (کود جزء، ماده ۴۴۵)

۴- «هرگاه موظف خدمات عامه، محکوم‌علیه را از جزای محکوم بها شدیدتر مجازات کند و یا به آن امر نماید و یا جزایی را بر وی تطبیق نماید که به آن حکم نه شده باشد، علاوه بر جزای حبس متوسط به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه، نیز محکوم می‌گردد.» (کود جزء، ماده ۴۴۶)

۵- «شخصی که بدون داشتن صفت مأموریت یا اجازه رسمی دولت در یکی از وظایف عامه مداخله نماید و یا یکی از مکلفیت‌های مربوط به این وظایف را انجام دهد، به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یکصد و بیست هزار افغانی، محکوم می‌گردد.

شخصی که بدون داشتن رتبه و استحقاق یونیفرم نظامی را طور علنی استعمال نماید یا بدون مجوز قانونی نشان و رتبه نظامی را حمل کند، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد.» (کود جزء، مواد ۴۵۲ و ۴۵۴)

محو یا شکستن مهر

طی مواد (۴۵۶ و ۴۵۷) مجازات جرم محو یا شکستن مهر به صورت مشخص و با در نظر داشتن شدت و خفت در مورد اعمال جرمی مشخص، مجازات حبس یا مجازات نقدی در مطابقت کامل با مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر مقرر گردیده است.

سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی

طی مواد (۴۵۸ الی ۴۶۰) مجازات جرم سرقت و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی به صورت مشخص و با در نظر داشتن شدت و خفت در مورد اعمال جرمی مشخص، مجازات حبس یا مجازات نقدی در مطابقت کامل با مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر مقرر گردیده است.

ممانعت از تطبیق عدالت و مجازات آن

قانون‌گذار در طی مواد (۴۶۱ الی ۴۶۸) جرم ممانعت از تطبیق عدالت را بیان و مجازات آن را مقرر نموده است که موارد ذیل در مورد مواد (۴۶۴، ۴۶۷ و ۴۶۸) کود جزا مطرح می‌گردد.

در مورد ارتکاب جرم ممانعت از تطبیق عدالت به ترتیب مجازات‌های «حبس، نقدی، بدیل حبس و انفصال از وظیفه» در نظر گرفته شده است.

به نظر می‌رسد قانون‌گذار با وضع مجازات‌های اصلی (حبس، نقدی و بدیل حبس) میان حالات ارتکاب جرم تفکیک گذاشته و از چندگانگی مجازات از نظر نوع، برای حالت مشخص و واحد جرم پرهیز کرده که نشان می‌دهد در پی اهداف متفاوت نسبت به حالات متفاوت جرم ارتكابی بوده است. معیار به‌کاررفته در تعیین مجازات ممانعت از تطبیق عدالت: اول، شامل میزان منفعت تحصیل یا درخواست شده؛ دوم، شامل این که مرتکب موظف خدمات عامه است یا غیر آن است. در صورت تحقق شرط دوم علاوه‌بر محکومیت به حداکثر مجازات‌های مقرر، مرتکب به انفصال از وظیفه نیز محکوم می‌گردد.

ولی قانون‌گذار در ماده (۴۶۴) برای مرتکب افشای اقدامات محافظتی یا اخفای هویت شاهد مجازات حبس متوسط یا جزای نقدی از ۶۰ هزار تا ۱۲۰ هزار افغانی در نظر گرفته است.

آنچه در ارتباط به این مجازات‌ها نیاز به غور بیشتر دارد تعیین مجازات بدیل حبس یا جزای نقدی ۵ هزار تا ۳۰ هزار افغانی، طبق ماده (۴۶۸) است که تفصیل آن در سوء ذیل عنوان (استفاده از نفوذ و مجازات آن) بیان گردید و دریافتیم که علاوه‌بر سایر مشکلات، جمع هم‌زمان بدیل حبس با مجازات اصلی قطعاً با مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر سازگاری ندارد.

۱- «شخصی که قرار یا حکم مراجع ذیصلاح را مبنی بر اتخاذ اقدامات محافظتی یا اخفای هویت شاهد و یا سایر اسناد و معلومات مرتبط به آن را به شخص یا اشخاصی که حق دریافت آن را ندارند، افشاء نماید، به حبس متوسط یا جزای نقدی از شصت هزار تا سه صد هزار افغانی، محکوم می‌گردد.» (کود جزا، ماده ۴۶۴) «هرگاه جرائم مندرج این فصل توسط موظف خدمات عامه ارتکاب یابد، مرتکب علاوه‌بر حداکثر مجازات معینه این فصل، به انفصال از وظیفه، نیز محکوم می‌گردد.» (کود جزا، ماده ۴۶۷)

«(۱) هرگاه موظف طی درانتهای معاینات یا تدایوی در بدن میت یا مجروح زخم‌های را مشاهده کند که در نتیجه جرم به او رسیده، مرجع ذیصلاح را اطلاع ندهد، به بدیل حبس یا جزای نقدی از پنج هزار تا سی هزار افغانی، محکوم می‌گردد. (۲) هرگاه موظف طب عدلی از معاینه، ابراز نظر مسلکی یا توضیحات لازم در مورد نتایج معاینات خویش به مرجع ذیصلاح عمداً امتناع ورزد یا به درخواست محکمه جهت ارائه توضیحات در جلسه قضایی اشتراک نه نماید، به جزای بدیل حبس، محکوم می‌گردد.» (کود جزا، ماده ۴۶۷)

پول‌شویی و مجازات آن

قانون‌گذار در طی مواد (۴۹۸ الی ۵۰۹) جرم پول‌شویی را بیان و مجازات آن را مقرر نموده است که در لابه‌لای این بحث مواردی، مورد ارزیابی و تبیین قرار گرفته است. اولاً، میان حبس و جزای نقدی به‌گونه‌ای جمع صورت گرفته که در طی مواد (۴۹۹ و ۵۰۵) به (حبس یا جزای نقدی)، در طی مواد (۵۰۱، ۵۰۳ و ۵۰۶) به «حبس یا جزای نقدی یا هردو» و در طی مواد (۵۰۴ و ۵۰۸) به «حبس و جزای نقدی به‌صورت مطلقاً توأم» حکم و مجازات وضع شده است و به نظر می‌رسد توجهی بر مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در احکام مزبور، مربوط به جرم پول‌شویی و مجازات آن صورت نگرفته و رعایت نگردیده است.

دوماً، در طی ماده (۵۰۹) به مصادره وجوه، دارایی و منفعت حاصله حکم شده است که این مجازات به‌گونه تکمیلی با مجازات اصلی (حبس یا جزای نقدی یا هردو به‌صورت توأم) تطبیق خواهد شد و با توجه به تفصیلی که در ذیل عنوان رشوه و مجازات آن پیرامون این موضوع بیان گردید، استدلال در مورد وضع هم‌زمان مجازات حبس با مصادره وجوه قابل توجیه پنداشته می‌شود.

غصب زمین و اموال غیرمنقول

قانون‌گذار طی مواد (۷۱۶، ۷۱۸ و ۷۱۹) مجازات جرم غصب زمین و اموال غیرمنقول به‌صورت مشخص و با در نظر داشتن شدت و خفت در مورد اعمال جرمی مشخص، مجازات حبس را در مطابقت کامل با مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر مقرر نموده است.

جرائم علیه آثار تاریخی یا فرهنگی

طی مواد (۷۳۱ الی ۷۴۱) جرائم علیه آثار تاریخی یا فرهنگی و مجازات آن بیان گردیده است که در تمامی موارد قانون‌گذار با وضع مجازات حبس از تمامیت‌خواهی کور پرهیز کرده و هدف واحدی را دنبال کرده است. به نظر می‌رسد این احکام در سازگاری با مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر وضع شده است.

۱- «شخصی که مبلغ بیش‌ازحد تعیین شده در سند تقنینی مربوط را به شکل نقد یا سند قابل معامله بی‌اسم با خود به‌صورت غیرقانونی به کشور داخل یا خارج نماید یا ذریعه ارسال پستی، قاصد، شرکت‌های حمل‌ونقل بار و کالا و سایر اشکال، وارد و یا صادر نماید، و در مورد مقدار، منشأ، هدف یا استفاده از انتقال پول یا سند قابل معامله بی‌اسم سند ارائه کرده نتواند، مرتکب علاوه‌بر مصادره مبلغ مذکور به مجازات ذیل، نیز محکوم می‌گردد: ۱- شخص حقیقی، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی...» (کود جزا، ماده ۴۹۹)

«شخصی که مبلغ بیش‌ازحد تعیین شده در سند تقنینی مربوط را به شکل نقد یا سند قابل معامله بی‌اسم با خود به‌صورت غیرقانونی به کشور داخل یا خارج نماید یا ذریعه ارسال پستی، قاصد، شرکت‌های حمل‌ونقل بار و کالا و سایر اشکال، وارد و یا صادر نماید، و در مورد مقدار، منشأ، هدف یا استفاده از انتقال پول یا سند قابل معامله بی‌اسم سند ارائه کرده نتواند، مرتکب علاوه‌بر مصادره مبلغ مذکور به مجازات ذیل، نیز محکوم می‌گردد: ۱- شخص حقیقی، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی...» (کود جزا، ماده ۵۰۵)

۲- «(۱) هرگاه موظف مرجع راپور دهنده، راپور معامله مشکوک را به مراجع مربوط اطلاع ندهد، به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یکصد و بیست هزار افغانی و یا به هر دو جزا محکوم می‌گردد...» (کود جزا، ماده ۵۰۱)

(۱) هرگاه موظف مرجع راپور دهنده مرتکب یکی از اعمال ذیل گردد، به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یکصد و بیست هزار افغانی و یا به هر دو جزا محکوم می‌گردد...» (کود جزا، ماده ۵۰۳)

«شخصی که پول، اسناد بهادار بدون اسم یا فلزات یا احوار قیمتی را که با جرم پول‌شویی، جرم تمویل تروریزم یا جرائم اصلی مرتبط بوده و سند تقنینی مربوط در رابطه به ضبط، انجماد یا مصادره آن‌ها حکم نموده باشد، آن‌ها را پنهان یا خلاف حقیقت وانمود یا انتقال دهد، قرار ذیل مجازات می‌گردد: ۱- شخص حقیقی، به حبس قصیر یا جزای نقدی سی هزار تا شصت هزار افغانی یا به هر دو جزا...» (کود جزا، ماده ۵۰۶)

۳- «(۱) وجوه و دارایی‌های ذیل در صورت محکومیت شخص به ارتکاب یا شروع به ارتکاب جرم پول‌شویی، تمویل تروریزم یا جرم اصلی، از طرف محکمه ذیصلاح مصادره می‌گردد...» (کود جزا، ماده ۵۰۹)

ولی با آن هم از این میان صرفاً در فقره (۲) ماده (۷۳۶)^۱ حبس یا جزای نقدی مقرر شده است. در ماده (۷۴۱)^۲ به جبران خسارت وارده بر اثر تاریخی یا فرهنگی حکم شده که به نظر می‌رسد قانون‌گذار با وضع این حکم در پی هدف ارباب است که از آنچه در ذیل عنوان رشوه و مجازات آن بیان شد، به نظر می‌رسد استدلال در مورد وضع هم‌زمان مجازات حبس با جبران خسارت وارده بر اثر تاریخی یا فرهنگی قابل توجیه است.

جرایم علیه معادن و نفت و گاز

طی مواد (۷۸۷ الی ۷۹۴) جرایم علیه معادن، نفت و گاز و مجازات آن بیان گردیده است که در تمامی موارد قانون‌گذار با وضع مجازات حبس از تمامیت‌خواهی‌های نامطلوب پرهیز کرده و با وضع مجازات در پی تحقق ناتوان‌سازی بوده که هدف واحدی را دنبال کرده است. به نظر می‌رسد این احکام در سازگاری با مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر وضع شده است.

ولی با آن هم از این میان صرفاً در ماده (۷۹۳)^۳ حبس یا جزای نقدی مقرر شده است؛ چنان‌که در قبل تذکر یافت، با مجازات حبس هدف ناتوان‌سازی محقق می‌گردد و با مجازات‌های نقدی هدف ارباب بیشتر متصور است. در فقرات (۲ و ۳) ماده (۷۸۸)^۴ به استرداد معدن استخراج شده و در صورت عدم موجودیت آن، به تأدیه قیمت آن، همچنان به جبران خسارت عائده به ساحه معدن از اثر استخراج، حکم شده که از آن بیشتر هدف ارباب متصور است، چون از جمله مجازات‌های مالی به شمار می‌رود.

ارزیافت پژوهش

در این اثر مبنای «جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر» معیار ارزیابی کیفرگذاری در کود جزا، قرار داده شده است. جمع اهداف کیفر با یکدیگر به صورت کامل در یک یا چندگونه از مجازات امری است که در عمل امکان تحقق ندارد. قانون‌گذار کود جزا، این مبنا را در مواردی مدنظر نگرفته و در انتخاب مجازات‌ها از نظر نوع، یا هدف مشخصی را دنبال نکرده و یا هم با تمامیت‌خواهی تام، خواسته به اهداف متعدد متوسل گردد که در نتیجه در بسیار موارد از رسیدن به هدف اصلی نیز بازمانده است که شامل احکام عمومی و جرایم و مجازات‌ها است. ارزیافت این پژوهش نشان می‌دهد که در بخش احکام عمومی «تجمیع اهداف کیفر با تدابیر تأمینی» با تحقق کامل این مبنا سازگار نیست.

ارزیابی رعایت مبنای جمع‌ناپذیری اهداف کیفر با یکدیگر در بخش جرایم و جزاها (فساد اداری)، نشان می‌دهد که این مبنا در فصول جرایم مربوط به محو یا شکستن مهر، سرقت، تلف کردن اوراق، اسناد رسمی، غصب زمین و اموال غیرمنقول رعایت گردیده؛ ولی در عناوین مربوطه جرایم رشوه، اختلاس، جرم سوءاستفاده از نفوذ و مجازات آن،

- ۱- «...شخصی که اثر تاریخی یا فرهنگی را که ورود آن به افغانستان ممنوع باشد، به کشور وارد نماید، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد.» (کود جزا، ماده ۷۳۶)
- ۲- شخصی که مرتکب یکی از جرایم مندرج این فصل گردد، علاوه بر مجازات مندرج در این فصل به رد عین اثر و در صورت اتلاف یا وارد نمودن ضرر، خسارت یا نقص، به جبران خسارت، نیز محکوم می‌گردد.» (کود جزا، ماده ۷۴۱)
- ۳- «شخصی که در ساحه تثبیت شده معادن و منابع نفت و گاز ملکیت عامه، به صورت غیرقانونی ساختمان اعمار یا تأسیسات استخراج معدن را نصب نماید، به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از یک صدویست هزار تا سه صد هزار افغانی، محکوم می‌گردد.» (کود جزا، ماده ۷۹۳)
- ۴- «(۲) مواد مندرج فقره (۱) این ماده استرداد و در صورت عدم موجودیت آن، مرتکب به تأدیه قیمت آن، محکوم می‌گردد. (۳) هرگاه از اثر استخراج غیرقانونی، ساحه معدن، مواد نفت و گاز یا زیربنای آن‌ها تخریب شده باشد، مرتکب علاوه بر مجازات مندرج در این فصل، به جبران خسارت عائده، نیز محکوم می‌گردد.» (کود جزا، ماده ۷۸۸)

سوءاستفاده از وظیفه یا موقف و مجازات آن، افزایش غیرقانونی دارایی و مجازات آن، تزویر، اخاذی و رویه سوء موظفین خدمات عامه در برابر افراد، انتحال وظایف و القاب، ممانعت از تطبیق عدالت و مجازات آن، پول‌شویی و مجازات آن، جرائم علیه آثار تاریخی یا فرهنگی و جرائم علیه معادن و نفت و گاز از جانب قانون‌گذار رعایت گردیده و متروک گذاشته شده است.

حتی در عناوین مربوط به جرائم ممانعت از تطبیق عدالت و مجازات آن و سوءاستفاده از نفوذ بدیل حبس را که به‌منظور تحقق هدف اصلاحی وضع می‌گردد و قابلیت جمع با هیچ‌یک از اهداف دیگر را ندارد با سایر اهداف جمع نموده است.

منابع

- رسولی، محمد اشرف، (۱۳۹۶). دوره کامل حقوق جزای عمومی (۱-۲-۳)، کابل: نشر انتشارات نشر واژه.
- رسولی، محمد اشرف و دیگران، (۱۳۹۸). شرح کد جزا، ج ۲، کابل: بنیاد آسیا.
- صانعی، پرویز، (۱۳۸۸). حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران: نشر انتشارات طرح نو.
- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۰). حقوق جزای اختصاصی، ج ۷، تهران: نشر موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ولیدی، محمد صالح، (۱۳۸۲). بایسته‌های حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران: نشر انتشارات خورشید.
- حاجی ده آبادی، محمدعلی؛ سلیمی، احسان، (۱۳۹۸). «مبانی، اصول و سازوکارهای اجرایی مدل کیفرگذاری هدفمند»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال هشتم، ش ۲۹.
- دویت، اندریو مک؛ ادیب، عزت‌الله، (۱۴۰۰). «سروری ملی فساد، دیدبان شفافیت افغانستان، گزارش سروری ملی فساد»، سال ۱۳۹۹.
- فیضی، فیض‌الله؛ نوری، فرید احمد، ۱۳۹۷، «نقد و بررسی تطبیقی و اصلاحی بر کد جزای افغانستان»، کابل: فصلنامه علمی پژوهی رنا، دوره نخست ضمیمه، ش ۱۱.
- مقدم، مرتضی میرزایی، (۱۳۸۹). «ارزیابی تأثیر شدت و قطعیت کیفرها در پیش‌گیری از جرم»، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات پیش‌گیری از جرم، سال پنجم، ش ۱۶.
- وزارت عدلیه، (۱۳۹۶). کد جزا، کابل، جریده رسمی، شماره مسلسل ۱۲۶۰.
- وزارت عدلیه، (۱۳۹۷). قانون مبارزه با فساد اداری، کابل، جریده رسمی، شماره مسلسل ۱۳۱۴.